



## موضوع: بررسی يك واحد یادگیری

ماده درسی: آموزش زبان فارسی ۲

مدرس : ایام قویدل

سال تحصیلی: ۹۹-۹۸

## 1 - تعیین هدف واحد تدریس

در بالا بردن کار آیی خود، مهم‌ترین اصل روشن بودن هدف است. اولین دلیل این‌که بعضی از افراد می‌توانند کارها را سریع‌تر و بهتر از دیگران انجام دهند، این است که هدف‌ها و برنامه‌های کاملاً روشنی دارند و از آن‌ها فاصله نمی‌گیرند. سوالات ابتدایی یک معلم حاذق و هنرمند، در موضوع آموزش این باید باشد که: «امروز چه هدفی را برای فراگیران در نظر گرفته‌ام؟ هدف من از آموزش این درس چیست؟ چه چیزهایی را قصد دارم به مخاطب خود یاد بدهم؟ مخاطبان من در پایان آموزش چه باید بکنند؟ چه نگرشی در آنان ایجاد خواهد شد؟

» شناخت هدف و مقصود نهایی باعث می‌شود که تمامی حرکات و فعالیت‌های معلم در جهت نیل به مقصود قرار گیرد و هر فعالیتی را که انجام می‌دهد، او را به هدف نزدیک‌تر سازد. در واقع اهداف مانند نور افکنی مسیر را برای رونده مشخص می‌سازد و پیش روی او را تا رسیدن به هدف نهایی روشن می‌سازد. با توجه به این مطالب چنانچه بخواهیم تعریفی از هدف ارائه کنیم، می‌توانیم بگوییم اهداف: - انتظارات واقعی ما را از مخاطب مشخص می‌کند (یعنی در پایان درس چه انتظاراتی از او داریم، او باید قادر به انجام چه کاری باشد)

- تمامی فعالیت‌های معلم جهت می‌دهد و او را در رسیدن به آن یاری می‌کند.

- نحوه انجام دادن فعالیت‌ها را به ترتیب اولویت، یکی پس از دیگری برای معلم آشکار می‌سازد.

- زمان مورد نیاز هر فعالیت و مکان مناسب انجام آن را مشخص کند.

### سؤال ۱:

آیا هدف ها تنها در فعالیت های داخل مدرسه باید محقق شوند یا فعالیت ها و عوامل و مؤسسات بیرون از مدرسه نیز در آن دخالت دارند؟ به چه دلایلی می توان گفت محیط مدرسه تنها محل تحقق هدف ها نیست و باید بین فعالیت های فراگیران و محیط اجتماعی خارج از مدرسه ارتباط لازم وجود داشته باشد؟

### سؤال ۲:

آیا لازم است به هدف های آموزشی در سه حیطه ی شناختی، عاطفی و رفتاری توجه کرد؟ چرا؟

یکی از درس های کتاب های فارسی را مشخص کنید و هدف های کلی و جزئی آن را استخراج کنید.

## ۲- موقعیت واحد تدریس و ارتباط آن با واحدهای تدریس سال های قبل دانستن موقعیت واحد تدریس چه فوایدی دارد؟

چنانچه معلمی اشراف لازم را نسبت به یک واحد درسی نداشته باشد، نمی تواند در آموزش خود به نحو مطلوب عمل کند، زیرا مفاهیم بعضا به گونه ای است که باید معلم از موقعیت های پیش آمده و یا قرار گرفتن در یک ماه خاص یا یک روز خاص از آن به طور شایسته بهره برداری کند. مطالب اغلب در دوره ی ابتدایی این ویژگی و خاصیت را باید داشته باشند که معلم بتواند بر اساس موقعیت های پیش آمده، مباحث درس را بنا بر مصلحت زمانی انتخاب کند و به آموزش آن مبادرت ورزد.

### سؤال:

آیا در درس فارسی دوره ی ابتدایی لازم است تمامی دروس به ترتیب بر اساس فهرست و متن کتاب یکی پس از دیگری تدریس شود؟ چرا؟

برای آموزش یک مفهوم یا یک هدف آموزشی، باید معلم، به همه‌ی مسائل جانبی آن اشراف کامل داشته باشد. به موضوعاتی از قبیل ارتباط طولی این مفهوم با مطالب سال قبل و بعد، و ارتباط عرضی همان مفهوم با سایر دروس همان سال توجه کند تا با توجه به این موضوع موقعیت واحد تدریس را مانند پازلی در میان دیگر قطعات آن مشخص کند و یادگیری آن را برای مخاطبان معنادار نماید.

### ارتباط طولی و عرضی یعنی چه؟

اگر هدف ما آموزش معرفی طبیعت به دانش‌آموزان باشد، باید بدانیم پیرامون این موضوع در سال‌های گذشته و یا سال‌های آینده چه نکاتی مطرح شده و یا خواهد شد تا از بیانات اضافی و تداخل موضوع‌ها در یکدیگر و تکراری شدن مباحث جلوگیری به عمل آید (ارتباط طولی).

نکته‌ی دیگر این که معلم بداند این هدف آموزشی در دیگر دروس مانند اجتماعی، قرآن، علوم و ... چگونه بدان اشاره شده است (ارتباط عرضی با سایر دروس) تا در خلال درس از مطالب آموخته شده در آن‌ها کمک بگیرد و برای تبیین و زیبا جلوه دادن هرچه بهتر موضوعات از آن‌ها استفاده کند. به عنوان مثال ممکن است پیرامون همین موضوع شعر مناسبی در کتاب ادبیات همان سال (بخوانیم و بنویسیم) آمده باشد. بهتر است معلم در حین آموزش یکی از فعالیت‌ها و یا مراحل تدریس خود را به خواندن این شعر به صورت سرود و یا هر شکل دیگری که خود مناسب کلاس درس می‌داند، اختصاص دهد و از دانش‌آموزان بخواهد آن را اجرا کنند سپس به موضوع درس برگردد و با طرح سؤالی و یا بیان جمله‌ای توسط خود یادگیری فراگیران را تحکیم بخشد. با این شیوه دانش‌آموز درمی‌یابد که این موضوع را می‌توان به کمک دیگر موضوعات درسی بهتر درک کرد.

عدم توجه به روابط طولی و عرضی موضوع مورد نظر موجب می‌شود تا هدف درس به‌طور تمام و کمال به سرانجام نرسد و این حس را در دانش‌آموز به وجود آورد که گویا آموزش مورد نظر ابتر مانده و یا این که بعضی موضوعات برای مخاطب تکراری و خسته‌کننده شده است.

## نکته :

اگر در مواردی مباحث درس به گونه‌ای است که فهمیدن آن وابسته به آموزش درس قبل است، باید ارتباط خطی بین درس‌ها حفظ شود و پشت سر یکدیگر تدریس شوند.

### ساخت شناختی چیست و چه ارتباطی با یادگیری

#### معنادر دارد؟

مجموعه اطلاعات و مفاهیمی که در زمینه‌ی یک رشته‌ی درسی در ذهن فرد به وجود می‌آید، «ساخت شناختی» او را از آن مجموعه دانش تشکیل می‌دهد؛ مثلاً مفاهیم درس دینی که از قبل در ذهن شاگرد به وجود آمده است، مجموعه‌ی ساخت شناختی او را در علم دینی تشکیل می‌دهد. دانش آموز می‌تواند با استفاده از مفاهیم موجود در ساخت شناختی خود، در درس دینی به شناخت مفاهیم و پدیده‌های جدیدتری برسد. مجموع ساخت‌های شناختی یک شخص، ساخت

### ۳- توجه به پیش‌دانسته‌های ضروری دانش آموز در بارهی واحد یادگیری

یادگیری زمانی دارای معناست که تصویری از محتوای ذهن را با چیزی یا موردی آشنا مربوط سازد. وقتی مفهومی با مفهوم یا اندیشه‌ای که قبلاً در ذهن وجود داشته است، ارتباط پیدا کند معنادر می‌شود. به سخن دیگر برای این که محرکی یا مفهومی معنا داشته باشد، باید در ساخت شناختی یادگیرنده موجود باشد.

برای مثال واژه‌ی شتر هنگامی برای انسان دارای معناست که بازنمایی ذهنی آن مشخص باشد، به عنوان مهم‌ترین اصل یادگیری این موضوع را یادآور می‌شود که: (همواره به پیش‌دانسته‌ها، تجارب و مهارت‌های فراگیران توجه داشته باشید و مطالب و آموزش‌های جدید را بر پایه‌ی آن استوار سازید)؛ زیرا همه‌ی دانش آموزان و فراگیران از نظر سطح معلومات و دانش یکسان نیستند و برای این که مفاهیم جدید برای فراگیر معنادر جلوه کند و فهم را در او ایجاد کند، معلم باید به ساخت شناختی فراگیر خود توجه داشته باشد و با طرح سؤال یا مسئله از این موضوع آگاهی یابد تا بر اساس آن بتواند قدم اول یادگیری را در موضوع جدید بردارد و یادگیری‌های جدید برای فراگیر معنا و

مفهوم مشخص و درستی ایجاد کند.

شناختی کلی او را تشکیل

می‌دهد. مثلاً آنچه از فیزیک،  
دینی، سایر علوم و رویدادهای  
روزمره در ذهن داریم، ساخت  
شناختی کلی ما را می‌سازند و به  
مدد همین ساخت شناختی کلی  
است که ما به شناخت پدیده‌ها،  
رویدادها و آنچه در پیرامون ما  
هستند، نائل می‌شویم. آگاهی‌ها و  
مفاهیم تازه، وقتی که با مفاهیم و  
آگاهی‌های پیشین ما و یا به عبارت  
دیگر با ساخت شناختی ما ربط  
داشته باشند، به صورت «یادگیری  
معنادار» قابل آموختن اند.

شعبانی، حسن،

مهارت‌های آموزشی و

پرورشی، ۱۳۳۱- انتشارات سمت

- ص ۵۲

### سؤال:

- راه‌هایی را که می‌توان از آن طریق به

پیش‌دانسته‌های دانش‌آموز پی‌برد چیست؟

- تفاوت یادگیری معنادار با یادگیری

طوطی‌وار چیست؟

## ۴- استخراج و تعریف مفاهیم کلیدی و بیان اصطلاحات خاص درس

یکی از نکات مهم در هر درس این است که بدانیم: مفاهیم کلیدی درس کدام اند؟  
بر چه موضوعاتی باید تأکید بیش‌تری شود؟ تعاریف هر یک از این مفاهیم چیست؟

دانستن مفاهیم کلیدی هر درس کمک می‌کند تا معلم در طراحی برنامه‌ی درسی خود، فعالیت‌هایی را  
در نظر بگیرد که سرانجام به درک درستی از این مفاهیم بینجامد و از فعالیت‌های ساده‌تر و مطالبی که ممکن  
است فرعی و غیرضروری باشد، پرهیز کند و از وقت تدریس به‌صورت بهینه استفاده کند. بارها شاهد بوده‌ایم  
و یا بر ایمان پیش آمده است که بابتی توجهی به همین موضوع، وقت زیادی را

صرف موضوعات و مطالبی در کلاس درس کرده‌ایم که حاشیه‌ای بوده و در نهایت ما را به هدف درس نرسانده است و نیز فهم صحیحی در فراگیران ایجاد نکرده است. لذا لازم است قبل از تدریس مفاهیم کلیدی و نقاط فشار درس را برای خود مشخص کنیم تا در حین تدریس گرفتار موضوعات جنبی و فرعی نگردیم تا از هدف اصلی باز نمانیم.

### سؤال:

برای بیان مفاهیم کلیدی چه مقدار زمان باید در نظر گرفت؟ چگونه می‌توان این زمان را به درستی انتخاب کرد؟

#### گشتالت چیست؟

واژه ی گشتالت در آلمانی به معنای انگاره، شکل، هیئت کل و سازمان به‌کار برده می‌شود. تصور کلی سازمان یافته و شناخته شده را نیز گشتالت می‌نامند. گشتالتی‌ها معتقدند که ما دنیا را در کل‌های معنادار تجربه می‌کنیم و شعار اصلی آن‌ها این است که «کل بیش‌تر از مجموع اجزای آن است» یا «تجزیه کردن یعنی تحریف کردن.» در حقیقت شما نمی‌توانید

از تصویر معروف «مونالیزا» تصور کاملی درک کنید؛ اگر ابتدا به یک بازوی تصویر، بعد به بازوی دیگر آن، آن‌گاه به بینی، سپس به دهان آن نگاه

#### ۵- چگونگی نحوه ی گسترش مفاهیم در یک درس و دستیابی به مفهوم مورد نظر

یکی از توصیه‌هایی را که اغلب روان‌شناسان یادگیری و متخصصان آموزش در این باره تأکید می‌کنند، این است که یک سخنرانی و یا یک تدریس باید دارای ساخت محکمی باشد و استخوان‌بندی بحث و موضوع مورد نظر از آغاز تا پایان به گونه‌ای طراحی شود که یادگیری را برای مخاطب سهل و ساده و در عین حال پایدار کند و به زبان علمی گشتالت مباحث به گونه‌ای باشد که درک درستی از کلیت موضوع در ذهن مخاطب ایجاد نماید و سپس اجزای کوچک‌تر و ریزتر آن، به مرور یک‌به‌یک هر کدام در جای خود بیان شود و بیاید.

کرده و بکوشید آن‌ها را در کنار هم  
قرار دهید. شما نمی‌توانید تجربه‌ی  
گوش دادن به یک ارکستر سمفونی  
را با تجزیه‌ی آن به سهم هر یک  
از نوازندگان ارکستر درک کنید.  
موسیقی حاصل از ارکستر بیش‌تر  
از مجموع نت‌های مختلفی است  
که به وسیله‌ی نوازندگان مختلف  
اجرا می‌شود. آهنگ‌دارای یک  
کیفیت ترکیبی است که با مجموع  
قسمت‌های آن متفاوت است.

سیف، علی‌اکبر، نظریه‌های  
یادگیری، نشر دوران، ۵۸۳۱ ص ۹۷۲  
پارسا، محمد، روان‌شناسی  
یادگیری، انتشارات سخن، ۴۷۳۱ ص ۱۱۲.

## سؤال:

در آموزش بهتر است از جزء به کل حرکت کنیم یا از کل به جزء؟ چرا؟

قبل از پاسخ دادن به این سؤال لازم است ابتدا به مثال زیر توجه کنیم.

فرض کنید فردی را وارد شهر جدیدی کرده اند که قبلاً هرگز آن را ندیده است. او را  
سوار ماشین می‌کنند و در حین چرخیدن در شهر مکان‌های مختلف را برایش توضیح می‌دهند و  
از این طریق او را با شهر جدید آشنا می‌سازند. حال فردی را در نظر بگیرید که قبل از وارد  
شدن به همان شهر، ابتدا نقشه‌ی شهر و جهت‌های جغرافیایی را به او نشان می‌دهند و او یک  
دید کلی نسبت به گستره‌ی شهر و خیابان‌های آن پیدا می‌کند. سپس او را سوار بر ماشین  
می‌کنند و همانند شخص قبلی شهر را به او نشان می‌دهند. بدیهی است از این دو، نفر دوم

اشراف بهتری نسبت به شهر پیدا کرده است.

در آموزش مفاهیم و موضوعات درسی نیز لازم است معلم گشتالت یا کلیت بحث را به نوعی به دانش آموز یادآور شود (از طریق طرح یک سؤال، خلاصه‌ی یک مطلب، نشان دادن یک تصویر، انجام یک پانتومیم و ...) تا او در ضمن آموختن جزئیات، یک دید کلی هم نسبت به مجموع درس پیدا کند و در نتیجه کلیت درس و مفاهیم جزئی و اهداف کوچکتر و ارتباط آن‌ها را بهتر دریابد. یعنی هرچه که به پایان درس نزدیکتر می‌شویم، او بتواند فعالیت‌های جزئی را به هم ربط دهد و به کلیت موضوع پی ببرد.

مثلاً در درس فارسی تصاویر ابتدایی هر بخش از کتاب، مانند تصویر جنگل برای بخش طبیعت و ... همگی ذهن خواننده را معطوف به مطالب بعدی می‌کند و یادگیری را برای او معنادار و منسجم می‌کند و دانش آموز درمی‌یابد که تمامی مطالب این بخش در جهت توضیح همان تصویر ابتدایی بخش است. با توجه به مقدمه‌ی بالا می‌توان گفت پاسخ ثابتی را نمی‌توان برای سؤال ابتدایی بحث در نظر گرفت؛ زیرا در آموزش عناصر بسیاری دخیل اند که با توجه به آن‌ها روش تدریس را باید انتخاب کرد؛ عناصری همچون مخاطب، موضوع درس، سن، جزئیات هر درس، تسلط معلم بر شیوه‌های مختلف آموزش، از جمله نکات قابل توجه و تعیین کننده‌ی روش تدریس معلم خواهد بود.

به عنوان مثال برای کودکان پیش دبستانی و پایه‌های اول و دوم و سوم که نمی‌توانند نسبت به یک موضوع به جوانب مختلف آن توجه کنند و بیش‌تر جزء نگرند تا کل نگر، و ذهنشان قادر نیست تا با صغری و کبری چیدن مطالب به مفاهیم انتزاعی دست یابد، بهتر است از روش استقراء و جزء به کل بهره‌گیری نماییم و به تناسب بالا رفتن سن مخاطب و توانمندی ذهنی آنان که می‌توانند کم‌کم مفاهیم را در ذهن نگه‌دارند و بر اساس دیگر مفاهیم و ادراکات خود به جمع‌بندی مناسب دست یابند، می‌توان از روش کل به جزء بهره‌گرفت و با بیان گشتالت موضوع در ابتدا و در خلال درس جزئیات آن را برای مخاطب توضیح، شرح و توسعه داد.

در چنین دروسی معلم می‌تواند با طرح سؤال، خواندن متن و یا توجه دادن به عنوان درس، مطالبی را مطرح کند که همگی برای دستیابی به هدف درس باشد و نیز با ذکر جزئیات نکات مورد نیاز کودکان در این سن را برای آن‌ها بیان کند و یا از خودشان خاطراتی را بپرسد و به سؤالات آنان پاسخ دهد. به عبارت دیگر با چنین فعالیت‌هایی مفهوم مورد نظر به خوبی توسط دانش آموزان دریافت می‌شود و نسبت به جزئیات آن اشراف پیدا می‌کنند. بنابراین حس و حال آن‌ها مانند فردی نیست که وارد شهر جدیدی شده (درس جدیدی) و نسبت به جوانب و گوشه و کنار آن بی‌اطلاع باشد.

برای دستیابی به مفهوم مورد نظر در درس، توسط فراگیر لازم است که مباحث مطرح شده توسط معلم دارای نظم دقیقی باشد. یعنی ترتیب تقدم و تاخر بیان مفاهیم و فعالیت‌ها و نیز اهمیت هر کدام از این مفاهیم برای معلم باید روشن باشد تا در حین تدریس بداند که چه مفاهیمی باید بیش‌تر توضیح داده شود تا از کنار هم قرار گرفتن مطالب فهم صحیحی در ذهن مخاطب به وجود آید.

### سؤال:

نکاتی که می‌تواند ساختار یک بحث را استحکام بخشند و فهم آن را برای مخاطب آسان کند، کدام اند؟

**نکته:** بعضا شاهد جلسات و سخنرانی‌هایی بوده‌ایم که اگر چه خود ما به عنوان مخاطب آمادگی کامل برای شنیدن مطالب آن را داشته‌ایم اما پس از آن وقتی از خود سؤال می‌کنیم گوینده چه می‌گفت یا چه می‌خواست بگوید، پاسخ صحیحی به این پرسش نمی‌توانیم بدهیم و بعضا بالعکس زمانی که با این پرسش روبه‌رو می‌شویم، احساس می‌کنیم می‌توانیم مانند گوینده مطالب مطرح شده در سخنرانی را به زبان جاری سازیم و به دیگری به خوبی بازگو نماییم. کافی است کمی به نحوه چینش مطالب و تأکیدات گوینده توجه کنیم. خواهیم دید در زمانی که مطالب به خوبی در ذهن ما باقی می‌ماند، علت اصلی این است که مطالب گوینده دارای ساخت محکم،

## فصل دوم

### طراحی آموزشی چگونه و چرا؟

#### ۱- طراحی آموزشی (طرح درس)

در طراحی آموزشی باید به چند سؤال اساسی پاسخ دهیم که عبارتاند از:

چرا؟

چه چیزی را؟

به چه کسی؟

و چگونه؟

می‌خواهیم آموزش دهیم. لذا در حین هدف باید به این نکات توجه داشته باشیم که مخاطب ما چه توانایی‌ها و امکاناتی در اختیار دارد تا بر اساس شناخت از او و نیاز هایش، برنامه‌ریزی کنیم و انتظارات خود را تعیین نماییم.

گام‌های اساسی در طراحی آموزشی عبارتاند از:

۱- تعیین هدف یا اهداف یادگیری

۲- تحلیل آموزشی

۳- انتخاب فعالیت‌های یادگیری،

(همچنین انتخاب محتوا و نحوه‌ی دقیق انجام دادن فعالیت‌ها)

۴- تعیین زمان و مکان مورد نیاز برای انجام هر فعالیت

۵- تعیین نظام ارزشیابی

توجه به این نکات موجب می‌شود تا طرح درسی را که برای موضوع مورد نظر طراحی می‌کنیم، با موفقیت بیش‌تری همراه شود.

## انتخاب درس

هر کدام از شما یکی از درس‌های کتاب‌های فارسی را برای طراحی آموزشی خود انتخاب کنید.

حال، برای این طراحی آموزشی قدم‌های زیر را بردارید:

### ۱-۱- هدف کلی درسی را که انتخاب کرده‌اید، مشخص نمایید.

اولین کاری را که معلم آگاه، هنگام طراحی درس انجام می‌دهد، تعیین هدف یا هدف‌های تدریس است که معمولاً توسط برنامه‌ریزان در راهنمای برنامه‌ی هر درس و یا راهنمای تدریس هر کتاب به آن اشاره شده است.

اگر سؤال شود که هدف‌ها چه نقشی را ایفا می‌کنند، باید بگوییم که:

«هدف‌ها توقعات و یا انتظارات معلم از فراگیر را مشخص می‌کنند.» تعیین و تدوین هدف، فقط شروع کار است. این هدف‌ها که به صورت جملات خبری‌اند، محدوده و ماهیت مطالب آموزشی را تا حدودی مشخص می‌کنند، ولی کارهایی را که معلم باید انجام دهد و واکنش‌هایی را که انتظار می‌رود فراگیران در قبال آن نشان دهند، معین نمی‌کنند برای مشخص کردن فعالیت‌ها به تحلیل آموزشی نیاز داریم تا بدانیم چه فعالیت‌هایی مورد نیاز است.

## هدف درس:

### ۱-۲- تحلیل آموزشی خود را از درس ارائه دهید.

در تحلیل آموزشی می‌خواهیم بدانیم چه فعالیت‌هایی را باید در نظر بگیریم که اولاً مناسب باشد، ثانیاً با انجام آن‌ها هدف درس به خوبی محقق می‌شود. لذا برای تعیین این فعالیت‌ها لازم است توانمندی‌ها و هنرمندی‌های خود را بشناسیم و بدانیم از نظر موقعیت زمانی و مکانی در چه شرایطی قرار داریم؛ امکانات موجود چه مقدار دست ما را برای انجام بعضی از فعالیت‌ها باز می‌گذارد تا بر اساس آن‌ها فعالیت‌ها را گام به گام و به ترتیب اهمیت اولویت‌بندی کنیم و آن را تا نیل به هدف تعیین شده تنظیم نماییم.

با تحلیل آموزشی، فعالیت‌های معلم - فراگیر دارای نظم خاصی می‌شود و پس از انجام آن‌ها، فراگیران به غایت اصلی درس یا هدف کلی درس می‌رسند.

روش ساده‌ی تحلیل آموزشی یک هدف کلی این است:

از خود می‌پرسیم، فراگیر باید چه کاری انجام دهد یا دارای چه قابلیت‌هایی باشد تا بتواند آنچه را هدف کلی از او خواسته است، انجام دهد؟ مثلاً درباره‌ی درس آزاد از خود سؤال می‌کنیم: دانش‌آموزان چه چیزی را درباره‌ی درس آزاد باید بدانند یا انجام دهند؟ پاسخ دادن به این پرسش، بررسی تعداد فعالیت‌ها، معلومات و مهارت‌های جزء را که برای نیل به هدف آموزشی، ضروری است، ایجاب می‌کند. همه‌ی پاره‌فعالیت‌ها را یادداشت کنید؛ مثلاً بنویسید:

– دانش‌آموزان باید بدانند برای چه چیزهایی درس آزاد صورت می‌گیرد..

– چه مراحلی دارد؟

– هدف از انجام آن چیست؟

– نحوه‌ی انجام دادن آن چگونه است؟

– چه تمرین‌هایی را لازم است که انجام دهند؟

– چه کارهایی را از نظر مشاهده، تمرین، سؤال و... باید انجام دهند تا تسلط لازم را به دست بیاورند.

– چگونه آموزش این مراحل را ارزیابی کنم؟

سؤالی که شاید در این جا مطرح شود، این است که:

آیا تعداد فعالیت‌ها کمتر باشد بهتر است یا بیشتر؟

در جواب باید گفت: تعداد فعالیت‌ها بستگی به شرایط دانش‌آموزان دارد. رفتار ورودی آن‌ها و میزان دانش، نگرش و مهارت مورد نیاز برای موضوعی که می‌خواهد تدریس شود، تعیین می‌کند که چه تعداد از فعالیت‌ها و کدام یک از آن‌ها، را به اهداف درس نزدیک می‌کند. از این رو، چه بسا برخی از فعالیت‌ها برای برخی از کلاس‌ها ضروری باشد.

با توجه به رفتار ورودی فراگیران که همان مهارت‌ها و توانایی‌هایی هستند که فراگیران با آن وارد کلاس درس می‌شوند، سؤالی که پیش می‌آید، این است که نقطه‌ی شروع آموزش را چگونه تعیین می‌کنیم؟ چرا باید نقطه‌ی شروع آموزش را تعیین کرد؟

## تحلیل آموزشی:

تعریف خود را از تحلیل آموزشی در این قسمت بنویسید.

### ۱-۳- محتوا و رسانه های مرتبط با محتوا را مشخص کنید.

محتوا مفاهیم و مطالبی را در بر می گیرد که به مدد آن ها می خواهیم در قالب فعالیت ها، هدف یا اهداف آموزشی را تحقق بخشیم. محتوی درس آزاد می تواند شامل چیز هایی از قبیل کتاب درسی، کتاب کار، راهنمای معلم، سوالات ساخته شده توسط معلم، فیلم ها، تصاویر، عکس ها و اسلایدها، پازل ها و ... باشد. مهم این است که بدانیم هر کدام از این محتواها در کجا، در کدام فعالیت، چه مقدار و به چه منظوری استفاده می شود، تا با استفاده از این ها هدف درس حاصل شود. برای آموزش نباید متکی به محتوای مکتوب کتاب درسی باشیم و فقط آن را مدنظر قرار دهیم.

محتوای مناسب ویژگی هایی دارد که مهمترین آن ها به صورت سؤال عبارت اند از:

- آیا محتوا، رفتار ها و مهارت های مورد انتظار را پرورش می دهد؟
- آیا محتوا، قابل فهم و هضم برای فراگیران است؟
- آیا محتوا، توالی مناسبی دارد و از ساده به مشکل تنظیم شده است؟
- آیا محتوا، متناسب با زمان، تخصیص یافته است و با آن مطابقت دارد؟

### محتوا:

تعریف خود از محتوا را در این قسمت بنویسید.

پس از انتخاب محتوای معلم باید ببیند برای رسیدن به هدف آموزشی چه رسانه یا رسانه هایی بهتر می تواند پیام مورد نظر را در اختیار فراگیران قرار دهد. یک رسانه خوب باید بتواند ارتباط و شرایط مطلوب بین پیام دهنده و گیرنده پیام (فراگیر) را موجب شود. برای رسانه ای مناسب هم می توان به چند ویژگی عمده اشاره کرد که عبارت اند از:

- توجه و علاقه فراگیران را به خود جلب کند.
- توجه فراگیران را تا پایان فعالیت آموزشی حفظ کند.
- فراگیران را به پاسخ گویی و ابراز واکنش تشویق کند.

البته برای انتخاب رسانه باید نکات دیگری از قبیل موقعیت جغرافیایی، امکانات موجود، فضای کلاس، تعداد فراگیران، سن آن ها و دیگر مسائل تأثیرگذار توجه و سپس رسانه را انتخاب کنیم.

## ۱-۴ - نظام ارزش‌یابی خود را معین کنید.

ارزش‌یابی جزء جدانشدنی هر برنامه‌ی درسی است اما ارزش‌یابی فقط در پایان و انتهای درس انجام نمی‌گیرد؛ بلکه بر اساس طراحی هر فعالیت، انتظاری که از فراگیران در قبال همان فعالیت می‌رود، مبنای قضاوت و ارزش‌یابی قرار می‌گیرد و چنان‌چه در هر مرحله توسط بازخوردی که از فراگیران به عمل می‌آید، معلوم می‌شود که نتیجه‌ی مطلوب حاصل نشده و به هدف آموزشی نرسیده‌ایم، فعالیت‌های مکمل دیگری طراحی می‌کنیم تا هدف ما را محقق سازد.

ارزش‌یابی در این الگو تمامی فعالیت‌ها و کنش‌های فراگیران را در جهت تحقق هدف دربرمی‌گیرد؛ بنابراین محدود به زمان، مکان یا فعالیت یا پاسخ پرسش خاصی نیست و به فراگیر در خلال یادگیری اجازه داده می‌شود تا با فعالیت‌های مکمل دیگر نقایص یادگیری خود را جبران کند و هدف را محقق سازد. به‌طور خلاصه، ارزش‌یابی باید به فرایند یادگیری کمک کند و رسیدن به اهداف درسی را تسهیل نماید.

در واقع یکی از خوبی‌های این الگو، دیدن ارزش‌یابی در جریان هر مرحله از یادگیری است.

ارزش‌یابی در هر فعالیت ویژگی‌هایی دارد که اهم آن‌ها عبارتند از:

- تعیین هدف ارزش‌یابی

- انتخاب وسیله‌ی مناسب برای گردآوری اطلاعات لازم

- تحلیل و تفسیر اطلاعات و چگونگی بازخورد

- استفاده از نتایج به‌منظور بهبود کیفیت آموزش و برداشتن گام بعدی

### موارد ارزش‌یابی:

موارد مورد نظر:

۱-

۲-

۳-

۴-

از این الگو می‌توان در تمامی دروس استفاده کرد. مهم این است که با چند بار تمرین و استفاده از آن در حین کار مزایای آن را لمس کنیم و به جای سخت و ثقیل کردن آموزش، فرایند یادگیری را برای معلم و نیز فراگیران آسان، ساده و دلنشین کنیم